

را گنجه‌های از حقایق معنوی تلقی کرد و البته در سخن گفتن از آیین هندو بیش از هر چیز به ودانتا که یکی از شش مکتب فلسفی آیین هندو است، استناد کرد. در کتاب بعدی اما گنون به مسئله «شرق و غرب» پرداخت و ماده‌باوری و افکار رایج در عصر مدرن چون عقل‌باوری، عقل‌گرایی و تغییرطلبی را خرافاتی دانست که منجر به «پسرفت فکری» شده است؛ «این پسرفت به جایی رسیده که غربیان امروز دیگر نمی‌دانند خریدیشگی ناب به چه می‌ماند - از این‌روست که نه‌فقط تمدن‌های شرقی بلکه تمدن‌های قرون وسطی اروپا را خوار می‌شمارند.»

▼ از نخبه‌گرایی تا ائتلاف با فاشیسم

از نظر گنون، غرب در معرض خطری مهلک است، اما این مهلکه آن چیزی نیست که خود غربی‌ها می‌پندارند: بلشویسم یا «مهلکه زرد» (نظامی‌گری چینی و ژاپنی) بلکه خطر اصلی در آن است که در غرب صنعتی، معنویت در غبار فرو رفته است. راهی که گنون برای برون‌رفت از این گرفتاری بزرگ پیشنهاد می‌دهد، «جذب آموزه‌های شرقی» توسط «نخبگانی خریدیشه» است تا از این رهگذر شاید بتوانند چوان «کشتی نوح» فانوسی باشند در دریای طوفانی غرب برای کسانی که در پی نجات غرب هستند. از این منظر می‌توان فکر سنت‌گرایی لااقل در آغاز نه‌تنها تمایلی به جلوه‌های توده‌ای نداشت، بلکه از نخبه‌گرایی منضبطی نیز دفاع می‌کرد. گنون معتقد بود، البته نیاز چندانی نیز به فعالیت‌های سری نیست زیرا در اساس فعالیت‌های سنت‌گرایانه به‌طور اصولی از چشم مردم دور می‌ماند: «نه چون پنهانی است، بلکه چون عامه مردم توان درکش را ندارند.» چنین نظری البته همیشه و نزد همه سنت‌گرایان مقبول نبود. گنون راه عبور از «بحران جهان مدرن» را «مابعدالطبیعه شرقی» می‌دانست. سنت‌گرایی چون یولیوس اوولا اما معتقد بود، راه حل چیزی دیگر است؛ «شوریدن بر جهان مدرن». در همین زمینه فکر پیوندادن سنت‌گرایی با جریان‌های فاشیستی و تبدیل آن به جنبشی توده‌ای ذهن اوولا را قلقلک می‌کرد. این تلاش البته به‌جایی نرسید، اما تردیدی نیز در اندیشه‌های نخبه‌گرایانه پیشین ایجاد کرد و البته بیشتر مایه بدنامی سنت‌گرایی شد؛ به‌خصوص وقتی با این واقعیت نیز تلفیق شد که میرچا الیاده نیز در رومانی تلاش مشابهی را در این زمینه صورتبندی کرد.

▼ نخستین مسلمان زاده عضو مریمیه

جریان اصلی سنت‌گرایی بعد از گنون که اسمش را نیز در قاهره به شیخ عبدالواحد یحیی تغییر داد، در طریقتی صوفیانه به‌نام «مریمیه» جریان پیدا کرد که بانیش فریتيوف شوان و تیتوس بورکهارت بودند. بدین‌ترتیب شوان جایگزین گنون شد و حکم پدر سنت‌گرایی را یافت، هر چند خود کمتر تمایل داشت این جانشینی را بررنگ کند و می‌گفت، گنون فقط ودانتا ومابعدالطبیعه را اندکی بهتر می‌فهمد. با این همه در دوران رسوایی‌های اخلاقی که به‌خصوص به‌واسطه برخی رفتارهای شوان به رسانه‌ها درز پیدا کرد، تردیدها درباره معنویت سنت‌گرایی را شدت بخشید. در عین حال در همین دوران شاهد فاصله‌گیری مریمیه از اسلام ازیک‌سو و رشد مریدان نامسلمان شوان ازسوی دیگر نیز هستیم. در همین دوره اما ازقضا مریمیه نخستین ومهمترین مرید مسلمان‌زاده را به جمع خود پذیرفت؛ سیدحسین نصر.

سجویک در بخشی مفصل از کتابش به نصر می‌پردازد و جدا از بررسی کنش‌های او در «انجمن شاهنشاهی حکمت و فلسفه ایران»؛ نقش او و دعاوی نصر درباره انقلاب اسلامی را نیز مورد تأمل قرار می‌دهد. او در همین زمینه می‌پذیرد که فعالیت‌های نصر در ترویج فلسفه اسلامی، نقشی در انقلاب ۵۷ ومهمتر از آن، در رشد علاقه به علوم اسلامی در میان دانشجویان ایرانی در دوران جمهوری اسلامی داشته است، اما در عین حال این نکته را نیز مدنظر قرار می‌دهد که نقش نصر را فقط باید بعد از تأثیرگذاری آیت‌الله خمینی، آیت‌الله مطهری و علی شریعتی مورد بررسی قرار داد. جز اینها سجویک می‌گوید، نصر احتمالاً سلطنت را صورت سنتی حکومت می‌دانست و آن را بر رقیبانش ترجیح می‌داد. به‌خصوص در همین بستر نصر به‌شدت با پیوند اسلام وسوسیالیسم در اندیشه شریعتی نیز سر ناسازگاری داشت و حتی هنگامی که کتاب «شیعه در اسلام» اثر علامه طباطبایی را به انگلیسی ترجمه کرد، نوشته‌های طباطبایی در محکومیت سلطنت را از قلم انداخت. با وجود تمام این واقعیات، نشانه‌های بسیاری گواه بر آن است که سنت‌گرایی همچنان در ایران به اشکالی پیچیده و متنوع و نزد متفکرانی چون رضا داوری‌اردکانی و نصرالله پورجوادی، خود را در ایران امروزی استمرار بخشیده است.

▼ سنت‌گرایی در روسیه

در دهه‌های اخیر سنت‌گرایی اما جز ایران در همسایه شمالی آن، روسیه نیز گسترشی معنادار را تجربه کرده است. این امر به‌خصوص پس از فروپاشی اتحاد جماهیر

سجویک که سال‌ها

در دانشگاه آمریکایی

قاهره تدریس کرد و

پژوهش‌های معتبری

در زمینه مطالعات

عربی و اسلامی دارد،

در این کتاب نوآورانه

و آکنده از اطلاعات

دست اول، بیشتر از

آن که در پی توضیح

بنیادهای فلسفی و

متافیزیکی سنت‌گرایی

و آموزه‌های معنوی

متفکران این

جریان در متن آثار

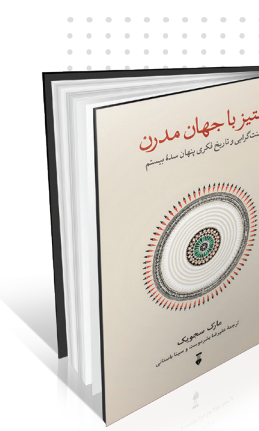
متعددشان باشد،

شرحی تاریخی بر

چگونگی تأسیس،

تکوین و تکامل آن

عرضه داشته است



شوروی سرعت بیشتری به خود گرفت، هر چند در آن دوران نیز به‌شکل زیرزمینی وجود داشت.

متفکر شاخصی که در روسیه اما سنت‌گرایی را به اوراسیاگرایی پیوند داد، الکساندر دوگین است. دوگین گویی باز دوباره نزاع شرق و غربی را که گنون مطرح کرده بود، احیا کرده است و به همین دلیل در زمان بوریس یتسین هم با تبدیل روسیه به دولتی لیبرال و دموکراتیک مخالف بود هم با حسنه‌سازی روابط روسیه با غرب. ستاره اقبال او بدین‌ترتیب با طلوع ولادیمیر پوتین درخشش گرفت؛ وقتی که این ایده در جامعه روسیه نیز پذیرش یافت که روسیه «از نظر معنویت و سرشت ارگانیک جامعه‌اش، با غرب تفاوت بنیادین دارد.» در چنین زمینه‌ای نقدهایی که سنت‌گرایی به عقلانیت ایزاری و دوری از مذهب و معنویت در غرب بیان می‌کرد، خمیرمایه‌ای شد برای اعاده حیثیت از هویت روسیه به‌عنوان تمدنی دینی و نژادی که رسالتی مقدس بر دوش دارد: «جهانی کردن سنت‌گرایی ارتدوکس» یا به تعبیری که دوگین خود به‌کار می‌گیرد: «محقق‌سازی ماموریت کلیسای شرق در گستره سطح زمین.»

▼ سنت‌گرایی و بازاندیشی در تجدد

بارها این تصور در میان متفکران غربی شکل گرفته است که تجدد به‌عنوان یگانه صورتبندی مقبول در سطح جهان، حیثی جهانی به خود گرفته است و رقیب عمده‌ای ندارد.

چنین تلقیاتی از همان آغاز دوران مدرن وجود دارد. بااین‌همه، همواره از درون دریای تجدد موج‌هایی خلاف‌آمد عادت نیز برخاسته است. زمانی رمانتیک‌ها بر مدرنیسم شوریدند و در دوره‌ای دیگر در نیمه نخست قرن بیستم، فاشیسم بود که تجدد را به پرسش گرفت. بعد از جنگ جهانی دوم و پایان ائتلاف لیبرال‌ها با کمونیسم، این چپ نو بود که در دهه ۱۹۶۰ نقدهایی بنیادین به تجدد روا داشت.

دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۳
سال سوم • شماره ۷۴۴
www.hammihanonline.ir

بعد از آن نیز نوبت به پست‌مدرن‌ها رسید که تیشه به ریشه تجدد بزنند. در عین حال در همه این ادوار کمتر کسی در غرب نگران نضج گرایش‌های سنت‌گرایانه بوده است.

حتی بعد از فروپاشی شوروی، آنچه بیشتر در میان متفکران مدرن به‌عنوان تهدید تلقی شد، بنیادگرایی اسلامی بود که البته مسلم بود یا سنت‌گرایی تفاوتی اساسی دارد زیرا بنیادگرایی در عین نقد تجدد، نسبت به بهره‌گیری از لوازم آن برای مثال در تروریسم تردیدی به خود راه نمی‌دهد و در ضمن بر برداشتی ظاهرگرایانه از دین متکی است، نه تأویل‌های باطنی. سنت‌گرایی اما در میانه آشوب‌های قرن بیستم، آرام‌آرام پیش آمده است و اینک بسیاری از نشانه‌ها حکایت از آن دارد که نباید آن را رقیبی دست و پا بسته دانست.

گنون زمانی تداوم پسرفت تمدن کنونی غرب را افزایش شکاف‌های قومی دانسته بود و این بینشی است که امروزه با قدرت‌گیری جریان‌های ناسیونالیسم افراطی مورد توجه دوباره قرار گرفته است. از نظر سجویک چنین شواهدی در کنار بی‌اعتمادی رو به افزایش نسبت به جناح‌های میانه از چپ و راست، شاید نشانه‌هایی باشند مبنی بر اینکه دیگر سنت‌گرایی، صرفاً یک امر «خلاف جریان» نیست. از نظر او: «سنت‌گرایی همچنان بی‌نام‌ونشان است اما دیگر حاشیه‌ای نیست. اکنون اگر بشود گفت دوره جریان به سر آمده است، آن لیبرالیسم اواخر سده بیستم است، نه سنت‌گرایی.»

قضاوت درباره چنین گزاره‌ای دشوار است، اما به هر روی انکار آمیزش اشکالی معتدل از سنت‌گرایی حتی با فرهنگ عمومی در غرب، چیزی شبیه رواج ایده مندج در کتاب «کوچ زیباست: اقتصاد با ابعاد انسانی» نیز دور از عقل به‌نظر می‌رسد. با این تفاسیر شاید بتوان گفت سنت‌گرایی رقیبی است که پشت درهای تجدد خیمه زده است. اینکه بتواند به درون قلعه نیز راه یابد، البته بیش از توان سنت‌گرایی، به امکانات تجدد در بازاندیشی در خویش بستگی دارد.

سازمان ثبت و اسناد املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بوکان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون واماده ۱۳۰۳تین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابررای شماره ۱۴۹۱۵۰۱۰۵۱۳۳۰۳۱۳۰۱۴۰۳۶۰ هیات‌اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی متقاضی آقای لقمان محمدی فرزند کریم به شماره شناسنامه ۷۷۲ صادره از بوکان در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۸/۳۴ مترمربع قسمتی ازپلاک ۱۳۰-اصلی واقع دربوکان -خ سیدقطب -کوچه رزیه ر ۵معرزگردیده است که به ان پلاک ۱۳۰ه/۱۷۳۰۸/۱۳۰ه/اصلی اختصاص یافت. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵ تا تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

خالد خانه بیگی -رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی تحدیدی اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دلفان

پیرو آگهی ماده ۳ به استناد ماده ۲۱ و ۱۴ قانون ثبت اینکه موعد تحدید حدود قسمتی از پلاک ۲ و ۲۳ و ۴۹ و ۱۵۳ و ۱۵۵ و ۲۱ اصلی واقع

در بخش ۱۲ استان لرستان شهرستان دلفان به شرح ذیل اعلام می‌دارد:

۱-آقای کرم میرزایی فرزند رحیم‌بیگ نسبت به شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۶۶۶/۶ مترمربع تحت پلاک ۲۷۴ فرعی مجزی‌شده از ۲ اصلی رأس ساعت ۹ الی ۱۲ بعدازظهر مورخه ۱۴۰۴/۰۱/۱۷ در محل وقوع ملک مورد تحدید عملیات تحدید حدود انجام می‌پذیرد.

۲-آقای حیدر رستمی الفت‌آبادی فرزند امیدبیگ نسبت به شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۲۳۷۰۵۰ مترمربع تحت پلاک ۲۴۶۱ فرعی از ۲۱ اصلی

۳-آقای عبدالرضا تیموریان فرزند غلام‌رضا و آقای رشید رضائی فرزند کسعلی هر کدام نسبت به دانگ مشاع از شش دانگ یک باب سوله به مساحت ۸۱۶ مترمربع تحت پلاک ۲۴۶۴ فرعی از ۸ فرعی از ۲۱ اصلی رأس ساعت ۹ الی ۱۲ بعدازظهر مورخه ۱۴۰۴/۰۱/۱۸ در محل وقوع ملک مورد تحدید عملیات تحدید حدود انجام می‌پذیرد.

۴-خانم سمیرا حیدریان اسدآبادی فرزند رشید نسبت به شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۲۰ه مترمربع تحت پلاک ۶۶ فرعی از ۱۳۳ اصلی رأس ساعت ۹ الی ۱۲ بعداظهر مورخه ۱۴۰۴/۰۱/۱۹ در محل وقوع ملک مورد تحدید عملیات تحدید حدود انجام می‌پذیرد.

۵- آقای فتح‌الله خدادادی حشمت‌آبادی فرزند عادل نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۸۳۰/۸۶ مترمربع تحت پلاک ۱۳ فرعی از ۴۹ اصلی رأس ساعت ۹ الی ۱۲ بعدازظهر مورخه ۱۴۰۴/۰۱/۲۰ در محل وقوع ملک مورد تحدید عملیات تحدید حدود انجام می‌پذیرد.

۶-آقای مهرداد نجفی طالب فرزند شاهمراد نسبت به شش دانگ یک باب عمارت به مساحت ۱۹۴/۷۰ مترمربع تحت پلاک ۱۸۲۱ فرعی از ۱۵۳ اصلی رأس ساعت ۹ الی ۱۲ بعدازظهر مورخه ۱۴۰۴/۰۱/۲۱ در محل وقوع ملک مورد تحدید عملیات تحدید حدود انجام می‌پذیرد.

۷-خانم راضیه جعفری فرزند حسن نسبت به شش دانگ یک باب عمارت مسکونی به مساحت ۱۳۱/۹۸ مترمربع تحت پلاک ۸۳۷۵ فرعی از ۱۵۵ اصلی

۸-آقای فریدون میرزائیان سرابی فرزند مرتضی نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی مساحت ۸۰۰ مترمربع تحت پلاک ۸۳۷۶ فرعی از ۱۵۵ اصلی

۹-آقای فریدون میرزائیان سرابی فرزند مرتضی نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۵۰ مترمربع تحت پلاک ۸۳۷۷ فرعی از ۱۵۵ اصلی

۱۰-آقای رضا نورحسینی خوشنامی فرزند بساطعلی نسبت به شش دانگ یک باب عمارت به مساحت ۱۹۹ مترمربع تحت پلاک ۸۳۷۸ فرعی از ۱۵۵ اصلی

لذا بدینوسیله به صاحبان املاک و مستغلات مجاور املاک پلاک فوق در قراء مورد تحدیدی ابلاغ می‌گردد در وقت مقرر در محل حاضر تا آگسی حقی دارد رعایت شود در غیر این صورت با حدود اظهارشده از طرف مجاورین تحدید حدود خواهد شد هر گاه کسی حق دارد می‌تواند از تاریخ تنظیم صورت‌مجلس به مدت یک ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک دلفان تسلیم نماید و الا حق اعتراض از وی ساقط خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

شناسه آگهی:۱۸۹۵۱۹۶

نمایش خانگی

کاریکاتور (پیشنهادی شما)

درباره سریال **آبان**

که بیشتر به طنز شبیه است



محسن سلیمانی‌فاخر

منتقد سینما

سریال «آبان» بعد از چند قسمت، بیشتر شبیه یک کمدی ناخاسته‌شده تا درامی جدی؛ از روابط غیرمنطقی و اغراق‌شده شخصیت‌ها گرفته تا موقعیت‌هایی که انگار از یک طنز هجومیز قرض گرفته‌شدند. مشکل اصلی این سریال، به فیلمنامه برمی‌گردد که به‌جای ساختن یک روایت منسجم و قابل‌باور، با انتخاب‌های عجیب و بی‌منطق، ساختار سریال را به‌سمت فروپاشی می‌برد. ضعف در روابط علی و معلولی، دیالوگ‌های پرداخت‌نشده و موقعیت‌های بیش از حد دراماتیزه‌شده، باعث می‌شود که سریال در ادامه، در همراهی با مخاطب جا بماند. این معجون دل‌به‌هم‌زن از ابتدا با ادعای یک درام پیچیده و مدرن معرفی شد، اما لحن و اجرای آن در عمل به سمت چیزی غیر جدی و حتی مضحک و بی‌منطق کشیده شد. مثلاً وقتی فربرز (شهاب حسینی) پیشنهاد می‌دهد که آبان از همسرش طلاق بگیرد، این موقعیت به‌جای اینکه یک نقطه اوج دراماتیک باشد، به خاطر فقدان پشتوانه منطقی، بیشتر شبیه یک موقعیت عجیب به‌نظر می‌رسد که در ادامه، منطقی رو شده هم کمتی به این حادثه محرک بی‌پشتوانه نمی‌کند. روابط میان شخصیت‌ها، به‌ویژه مثلث آبان، امیر و فربرز، گاهی آن قدر از منطق روزمره دور می‌شود که انگار در یک دنیای فانتزی رخ می‌دهد و به‌جای عمق دراماتیک، حالت کاریکاتوری ایجاد می‌کند مثلاً چرا یک سرمایه‌گذار حرفه‌ای به جای استفاده از ابزارهای مالی یا تهذیبهای حقوقی، به یک شرط شخصی و احساسی مثل طلاق متوسل می‌شود یا چرا آبان- که یک نخه علمی است- در برابر چنین پیشنهادی این قدر شکندند و منفعَل به‌نظر می‌رسد؟ امیر که پذیرفته آبدارچی فربرز باشد، آنقدر راحت با این موضوع کنار آمده که انگار باید جایزه بهترین نیروی خدماتی را او بدهند، اصلاً فراموش کرده که بر اثر جبر وارد این حرفه شده و چگونه یک مدرس زبان پذیرفته آبدارچی باشد و حالا می‌بینم که دغدغه‌اش تنها نظافت و سرویس‌دادن در دست به کار فرمایان است. بحث‌برانگیزترین چرخش‌های داستانی سریال؛ این پیشنهاد عجیب فربرز به آبان است که برای حل مشکل مالی و فرار از زندان، از همسرش طلاق بگیرد. این بی‌چسب -که در قسمت‌های ابتدایی مطرح می‌شود -به‌عنوان یک نقطه عطف دراماتیک طراحی شده تا کشمکش اصلی داستان را شکل دهد. اما انگیزه فربرز برای این پیشنهاد تا الان باورپذیر نیست، آیا هدفش کنترل بیشتر روی آبان است، علاقه شخصی است یا صرفاً یک حربه مالی؟ این ابهام به‌جای اینکه تعلیق ایجاد کند، گاهی حس غیرمنطقی بودن را به مخاطب منتقل می‌کند. از نظر دراماتیک، این چرخش می‌توانست با زمینه‌سازی بهتر، تأثیرگذارتر باشد، اما در اجرا، بیشتر برای شوکه‌کردن مخاطب طراحی شده تا عمق دادن به داستان. یکی دیگر از چرخش‌های داستانی، واکنش‌های عجیب و گاه غیرقابل‌پیش‌بینی خانواده آبان به موقعیت اوست. مثلاً وقتی او به زندان می‌رود تا خانواده‌اش محافظت کند، امیر مسیری ترازیک را طی می‌کند که درست طبق خواسته فربرز است. این چرخش -که قرار است نشان‌دهنده فروپاشی لاترئلی یک‌زوج تحصیلکرده‌نخبه‌است، مثلاً اینکه امیر به‌راحتی در دام فربرز می‌افتد یا تصمیم‌هایی می‌گیرد که با شخصیت اولیه‌اش سازگار نیست، این بی‌چسب‌ها به‌جای اینکه داستان را عمیق‌تر کنند، گاهی حس اغراق و سردرگمی ایجاد می‌کنند. امیر در یک موقعیت دستمالی‌شده و ساختگی به قتل متهم می‌شود، او حتی به ذهنش هم نمی‌رسد که پای پلیس را به میان بکشد. او به‌راحتی در موقعیت ساخته‌شده‌ای، جنازه را دفن می‌کند اما در ادامه هم او یادش می‌رود، هم تیم گنگ فربرز و قتل از سوی نویسنده فراموش می‌شود. همچنین وکیل بی‌شعور و حراف داستان، گم می‌شود و تنها دلبری‌های امیر و آبان در محیط کار تجلی می‌یابد. این چرخش‌ها گاهی به‌نظر می‌رسند که صرفاً برای پُر کردن خلأ روایی یا نگه داشتن مخاطب اضافه‌شده‌اند، نه برای پیشبرد یک داستان منسجم. این سریال در استفاده از بی‌چسب‌های داستانی، بیش از حد به سمت اغراق و شگفتی‌های لحظه‌ای متمایل شده، بدون اینکه به انسجام یا باورپذیری اهمیت کافی بدهد. این‌گونه که یک ایده را از یک فیلم خارجی برداری و تنها روابط را ایرانی کنی، نمی‌شود سریال‌ساز موفق. پیشنهاد غیرمتعارف، بحران مالی و تمرکز روی کشمکش‌های عاطفی و اخلاقی از شباهت‌های اصلی و ساختاری آبان با «پیشنهادی شما» آدریان لین است.